

نقد و بررسی آرا و شبهات نوگرایان پیرامون آیه اخفای زینت (نور: ۳۱)

Golmohammadi@yazd.ac.ir

m_faker@miu.ac.ir

محمدتقی گل محمدی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یزد

محمد فاکر مبینی / استاد گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

چکیده

سیری در نظریات پیرامون آیات حجاب، به ما نشان می‌دهد که در عصر جدید، نظری کاملاً متفاوت درباره این آیات مطرح شده است. گروهی از نوگرایان، روش پوشش رایج بین زنان مسلمان را زیر سؤال برده و برداشت مشهور مفسرین از آیات حجاب را متأثر از فرهنگ و تفکر زمانه دانسته‌اند. پژوهش پیش رو، به روش کیفی به توصیف و تحلیل و تبیین آیه ۳۱ سوره نور (اخفای زینت) و شبهات وارد بر آن می‌پردازد و صحت و سقم آنها را بررسی می‌کند تا روشن شود که چه عاملی سبب زیر سؤال بردن حجاب متداول شده است. این تحقیق بعد از تقسیم شبهات به دو قسم محتوایی و متنی، و بررسی و نقد شبهات، به این نتیجه رسیده که زیر سؤال بردن حجاب متداول، ناشی از دو عامل است: اول کنار گذاشتن روایات محکم و نیز استفاده از روایات ضعیف در بیان مصادیق و برداشت‌های تفسیری و تاریخی؛ و دوم تأثیر فرهنگ غربی بر نگاه روشنفکران غرب‌گرای معاصر.

کلیدواژه‌ها: حجاب، خمر، جیوب، زینت، شبهات حجاب، فمینیسم.

یکی از مباحثی که در ادوار مختلف مورد بحث بوده و در عصر حاضر بسیار به آن پرداخته شده، بحث پیرامون آیات حجاب است. در قرون اخیر بررسی این موضوع به‌گونه‌ای بوده است که برخی حجاب موجود زنان مسلمان را زیر سؤال برده در تفسیرهای مفسران اعصار گذشته خدشه کرده و پیرامون آیات حجاب و تفاسیر علمای بزرگ شبهاتی وارد نموده‌اند.

در دوران معاصر، ورود مباحث تجدد و روشنفکرمایی به جهان اسلام، بحث حجاب را وارد دوره‌ای جدید کرد که در آن برخی از اندیشمندان مسلمان با دفاع متجددانه از شریعت، به مخالفت با حجاب موجود پرداخته‌اند. این حرکت، پس از ارتباط جهان اسلام و عرب با دنیای غرب و تأثیرگذاری علم و فرهنگ مدرنیته غربی بر اندیشمندان مسلمان اتفاق افتاد. این گروه که غالباً تحت تأثیر افکار نوگرایانه قرار داشتند، با دلایل متعددی مانند تأثیرپذیری مفسران و فقهای متقدم از فرهنگ زمان خود و برداشت‌های لغوی و تاریخی متفاوت از آیات و روایات، پوشش مشهور و مرسوم زنان مسلمان در ادوار گذشته را زیر سؤال برده و منابع و متون اسلامی در این زمینه را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرده‌اند. البته علما و اندیشمندان در مقابله با برداشت و نحوه تفکر آنها مطالب قابل توجهی نگاشته‌اند؛ اما از آنجاکه آیه ۳۱ سوره نور از مشهورترین و مهم‌ترین آیات حجاب بوده و بررسی مستوفی و جداگانه‌ای درباره آن صورت نگرفته، هدف این پژوهش این است که با توجه خاص به این آیه، به محدوده حجاب شرعی زنان بپردازد و شبهات وارد بر آن را بررسی کند تا پی برده شود که: صحت و سقم شبهات تا چه اندازه است؟ آیا مفسران گذشته در تبیین این آیه تحت تأثیر جامعه بوده و دچار اشتباه شده‌اند یا اینکه اندیشمندان معاصر تحت تأثیر عوامل عصر جدید به این آیات پرداخته‌اند؟

۱. نوگرایی در زمینه حجاب

نگاه نو به حجاب، با رویکرد فرهنگی جدید، تقریباً بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی و هم‌زمان با تقلیدپذیری مسلمانان از فرهنگ و تمدن غرب آغاز شد؛ به صورتی که بعضی از متفکران عرب ابتدا به بیان مطالب متفاوتی پیرامون زندگی زنان پرداختند، که از سردمداران تجدد و روشنفکری در این زمینه، رفاعه رافع الطهطاوی (۱۸۲۶م) را نام برده‌اند (عراقی عاطف، ۱۹۹۸م، ص ۱۴۸)؛ اما برخی محمد عبده (۱۸۴۹م) را نخستین کسی می‌دانند که در بیان افکار روشنفکری خود به مسئله حجاب زنان پرداخته است (حامد ابوزید، ۲۰۰۰م، ص ۲۴۰). پس از او، شاگردش قاسم امین (۱۹۶۳م) به تدریج در تبیین مسائل مربوط به زنان، به‌ویژه آزادی آنان، مسئله حجاب و... رویکردی متفاوت ارائه کرد و انتساب وجوب حجاب به قرآن کریم را انکار نمود. پس از آن بسیاری از تجددگرایان عرب و نواندیشان ایرانی از اندیشه‌های قاسم امین مصری تأثیر پذیرفتند. از کتاب‌های مهم قاسم امین که به مسئله حجاب پرداخته است، می‌توان به *تحریر المرأة والمرأة* *الجديدة* اشاره کرد. این اندیشه بعد از آن، توسط نواندیشان غرب‌گرا، مثل: نظیره زین الدین در کتاب‌های

السفور و الحجاب و الفتاة و الشيوخ، محمد شحرور در کتاب *الكتاب و القرآن قرائة المعاصر*، جمال البنا در کتاب *حجاب و المرأة المسلمة بین التحریر القرآن و تقييد العلماء*، و سعید العشماوی در کتاب *حقیقة الحجاب و حجة الحدیث* ادامه پیدا کرد.

حرکت مبارزه با حجاب و تصور ریشه شرعی نداشتن آن، با اوج گیری حرکت های فمینیستی تعقیب شد و کسانی همچون فاطمه مرنیسی، اقبال برکه، محمد سعید القدال، علی طهماسبی، احمد قابل، حسین دباغ و امیر تراکشوند آن را پیگیری کرده و درباره آن نگاشته اند. در این میان، افراد زیادی همچون شهید مطهری، ابو عبدالله زنجانی، رسول جعفریان، حسین سوزنچی و مجید دهقان، مطالب متعددی درباره حجاب و رفع شبهات پیرامون آن نگاشته اند؛ اما در این پژوهش به بررسی خصوص شبهات پوشش زنان پیرامون آیه ۳۱ نور پرداخته می شود.

۲. تبیین مدلول آیه

همان طور که گفته شد، از مهم ترین آیات حجاب که صراحت بیشتری در محدوده پوشش و چگونگی آن دارد، آیه ۳۱ سوره نور، معروف به آیه «اخفای زینت» است. این آیه، هم به مواردی که لازم است زنان بیوشانند، اشاره دارد و هم به این نکته می پردازد که نزد چه کسانی پوشش کامل لازم نیست؛ از این رو، همه مفسران برای پی بردن به جایگاه حجاب و نحوه پوشش زنان و موارد استثنا در پوشش، به این آیه تمسک کرده اند:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْآرْتَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مَنْ زِينَتُهُنَّ وَتَوَنَّبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

و به زنان بالیمان بگو زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند؛ و روسری های خود را بر سینه خود افکنند؛ و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود؛ و همگی به سوی خدا بازگردید، ای مؤمنان! تا راستگاری شوید (نور: ۳۰-۳۱).

در بخش ابتدایی آیه، از زنان خواسته شده است که هم حفظ چشم کنند و هم حفظ شرمگاه. در ادامه، به دلیل جایگاه و موقعیت زنان و حساسیت حضور آنان در جامعه دستوراتی درباره نحوه پوشش و حفظ زینت هایشان صادر و در ادامه به موارد استثنا در پوشش پرداخته شده است.

۲-۱. بررسی لغات آیه

از آن روی که در معنا و مفهوم برخی از واژگان این آیه ابهام و اختلاف نظر وجود دارد، در این قسمت به بررسی مفرداتی پرداخته می شود که در بررسی آیه تأثیر گذار است:

«بیدین» از «بدو» به معنای ظاهر و آشکار (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۰) گرفته شده و در *معجم المقاییس اللغة* آمده: الباء و الدال و الواو اصل واحد به معنای ظهور و آشکار بودن شیء است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱۲) و گفته شده که «ولا یُبدین» یعنی «ولا یظهرن» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۹۲).

زینت در لغت به معنای حسن شیء و نیکویی آن (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۱) و نقیض الشین (نقیض زشتی) است (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۲۶۷). زینت، جامع است برای هر چیزی که به وسیله آن تزئین می‌شود (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۸۷).

زینت در عربی اعم از کلمه زیور در فارسی است. زیور در فارسی به زینت‌های الحاقی گفته می‌شود. شهید مطهری در تفاوت بین زیور و زینت می‌گوید: زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن خارج می‌شود؛ اما زینت، هم به این دسته گفته می‌شود، هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵). از سخنان صحابه و مفسران نیز همین فهمیده می‌شود؛ زیرا گاهی گوشواره و انگو و خلخال و حتی لباسی را جزء زینت می‌شمارند و گاهی دست و صورت و گردن را.

داده‌های منابع لغوی درباره خِمار بسیار اندک است. مفسران و لغویان غالباً خِمار را به معنای پوششی می‌دانند که مردم آن را مقنعه می‌نامند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۴۲) و زن سر خودش را با آن می‌پوشاند (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۸۱). ریشه آن به معنای پوشاندن و پرده کشیدن است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۵؛ فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۶۲) و خِمار زن چیزی است که به وسیله آن سر او را می‌پوشاند. خِمار، گرچه برای پوشش هر چیزی به کار برده شده، ولی در بیانات شعرا و روایات رسول اکرم ﷺ، حضرت علی علیه السلام و برخی صحابه، به معنای پوشش سر به کار رفته و نوعی حجاب زنان است که جلوی گردن، چانه و دهان را با آن می‌پوشاند (محمد ابوالفضل، بی‌تا، ۱۴۵؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۳۲).

غالب لغویون «جیب» را به یقه پیراهن معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۱۴). جیب به معنای شکاف است؛ هر چیزی که وسط آن قطع شود. جیب لباس، همان چیزی است که بر گردن باز می‌شود و در زبان فارسی به معنای یقه پیراهن است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۵). همچنین آن را به قلب و سینه معنا کرده‌اند (قریشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۹۱). کلمه جیب غالباً در کتب لغت همراه با قمیص می‌آید و همگی آن را به معنای «گریبان پیراهن» می‌دانند. در قرآن نیز به این معنا به کار برده شده است

(نمل: ۱۲؛ قصص: ۳۲) و گفته‌اند که مراد از جیوب در اینجا سینه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷). در نتیجه می‌توان معنای آیه را چنین تبیین کرد:

و به زنان بالیمان بگو چشمان خود را (از آنچه که نگاه کردن به آن در آیات و روایات حرام شمرده شده) فرو بندند؛ و شرمگاه خود را حفظ کنند؛ و زینت‌های (الحاقی و متصل، اعم از اعضای بدن و موارد زیورآلات و آرایشی) خود را آشکار ننمایند؛ جز آن مقدار که (به‌خودی‌خود یا ضرورتاً یا به‌اجازه روایات آشکار است؛ و سرپوش‌های خود (پارچه‌ها یا روسری‌هایی که غالباً بر روی سر می‌اندازند) را بر (گردن) و سینه خود افکنند؛ و این زینت‌های خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدرشوهرانشان یا پسرانشان یا همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را (به قصد جلب توجه مردان) به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود؛ و همگی به‌سوی خدا بازگردید، ای مؤمنان! تا رسنگار شوید.

۳. بررسی شبهات

برخی از معاصران در بررسی این آیه با بیان شبهات محتوایی و لغوی، ریشه حجاب شرعی مرسوم و مشهور را زده و با ذکر دلایلی برداشت‌های تفسیری رایج بین مفسران بزرگ را زیر سؤال برده‌اند. در اینجا به تبیین و واکاوی این شبهات پرداخته می‌شود.

۳-۱. شبهات محتوایی

۳-۱-۱. عدم دلالت سیاق آیات بر وجوب

این آیه در میان مجموعه‌ای از آیات قرار گرفته است که توجه به تمامی آنها دلالت بر وجوب را نفی می‌کند؛ چراکه این سوره را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: یکی از ابتدای سوره تا آیه ۲۷ که درباره، زنا، تشییع فاحشه، رمی محصنات و افک سخن گفته و از شدیدترین جملات و عقاب‌ها در پایان آیات استفاده شده است؛ جملاتی مانند: «و این بر مؤمنان حرام شده است» (نور: ۳) و «به عذابی بزرگ گرفتار می‌آیند» (نور: ۱۱)؛ اما از آیه ۲۷ تا ۳۳ زبان تأکید و توبیخ و عذاب را کنار می‌گذارد و با توصیه‌های اخلاقی همچون «این برای مؤمنان بهتر است» (نور: ۲۷) و «برای ایشان پاکیزه‌تر است» (نور: ۳۰) مطالب را بیان می‌کند. بنابراین، ادعای عدم وجوب حجاب، منطبق با ظاهر قرآن است؛ به این دلیل که آیه حجاب هم در میان آیاتی قرار گرفته که به بیان توصیه‌های اخلاقی پرداخته است. پس با توجه به تعلیل بعد از آن، «ذلک ازکی لهُم»، حمل بر عدم الزام شده، اوامر آن استحبایی و نواهی آن کراهتی شمرده می‌شود (قابل، مقاله حجاب، ص ۲۳). امر در این آیه از حد نصیحت تجاوز نمی‌کند و هیچ اشاره‌ای به عقوبت کسانی که از این امر سرپیچی می‌کنند، ندارد (حسین علی، ۲۰۰۷م، ص ۸۵).

۱. با بررسی آیات ابتدایی سوره، مبنای این اشکال دچار تزلزل می‌شود. خداوند در ابتدای سوره در بیانی متفاوت از سوره‌های دیگر می‌فرماید:

«سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور: ۱) سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم و (عمل به آن را) واجب نمودیم و در آن آیات روشنی نازل کردیم؛ شاید شما متذکر شوید! در تفسیر این آیه گفته شده است: کلمه «سوره» به معنای پاره‌ای از کلمات و جمله‌بندی‌هایی است که همه برای ایفای یک غرض ریخته شده باشد. این کلمه از کلماتی است که قرآن کریم آن را وضع کرده و هر دسته از آیاتش را یک سوره نامیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۷۸). سوره به مجموعه‌ای از آیات گفته می‌شود که برای آن ابتدا و انتهایی است (طنطاوی، بی تا، ج ۱۰، ص ۷۷) و «فرض» همان معنای ایجاب را می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۳۰). پس معنای آیه این است که این سوره را ما نازل کردیم و عمل به احکامی که در آن است واجب نمودیم؛ پس اگر آن حکم ایجابی باشد، عمل به آن این است که آن را انجام دهند؛ و اگر تحریمی باشد، عمل به آن این است که آن را ترک کنند و از آن بپرهیزند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۷۸). خداوند در این سوره با بیانی متفاوت از تمام سوره‌های دیگر، امر می‌کند که عمل به اوامر و نواهی این سوره واجب است. با بررسی آیات آن هم می‌توان پی برد که خداوند در پی صدور دستور و ایجاب احکامی است و زبان عقاب و توبیخ یا توصیه‌های اخلاقی و ارشادی پایان آیات هم در راستای تشویق و تنبیه در مقابل عمل یا ترک اوامر و نواهی است؛ از این رو، آیاتی هم که به‌عنوان توصیه‌های اخلاقی بیان شده، ابتدای آنها حکمی وجوبی است؛ مثل آیه ۲۷ که به کسب اجازه برای ورود به خانه دیگران دستور داده است گرچه در آخر آن می‌فرماید: «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، اما ابتدای آیه درصدد بیان عدم دخول در خانه دیگران بدون اجازه صاحب‌خانه است؛ چراکه نوعی غصب بوده و حرام است. بنابراین، قسمت پایانی آیه دلالت بر استحباب اذن یا کراهت ورود در ملک دیگری ندارد. در ادامه آیه ۲۸، به این مطلب اشاره شده است: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا»؛ اگر اجازه ندادند داخل نشوید.

۲. در مباحث اصولی گفته می‌شود که اوامر دلالت بر وجوب، و نواهی دلالت بر حرمت دارند؛ مگر اینکه دلیل و شاهی برخلاف آن ثابت شود و این آیه دارای امر و نهی است و تا دلیلی محکم برخلاف آن نباشد، امر مستلزم وجوب و نهی مستلزم حرمت است و به‌صرف اینکه در پایان سوره زبان عقاب و توبیخ نیست، دلالت بر رفع امر و نهی ندارد.

۳. بر فرض آنچه از آیه به‌عنوان تعلیل ذکر کرده‌اند (ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَهُمْ) تعلیل باشد و حکمت نباشد، نمی‌تواند دلیل بر استحباب باشد؛ چون موارد متعددی شبیه همین است که با جمله «ازکی لهم» آمده است، اما یقیناً دلالت بر امر و نهی دارد؛ مثل آیه ۳۰ سوره نور که می‌فرماید: «وَيَحْفَظُوا أَمْوَالَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَهُمْ» یا در آیه ۱۸۴ سوره بقره

می‌فرماید: «وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ» (و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است) یا آیه ۱۷۱ سوره نساء در اشاره به اهل تثلیث می‌فرماید: «نگویید خدا سه‌گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است»؛ درحالی‌که ما یقین داریم حفظ فرج و روزه گرفتن واجب و قائل بودن به تثلیث حرام است؛ و آیه حجاب هم می‌تواند از قبیل همین آیات باشد.

۴. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که چون در آیه به عقوبت اشاره نشده است، دلالت بر وجوب یا حرمت ندارد؛ چون این‌طور نیست که همیشه وجوب و حرمت همراه با عقوبت باشد؛ بلکه هر جا امری باشد، مطلق امر دلالت بر وجوب و مطلق نهی دلالت بر حرمت دارد و بیان عقوبت، برای ترغیب به ترک یا اطلاع از عواقب عمل است و دخالتی در چگونگی برداشت از امر و نهی ندارد.

۲-۱-۳. عدم ذکر متعلق غض بصر

اینکه ابتدای آیه امر به پوشاندن چشم کرده، ولی متعلق غض بصر را برای مرد و زن ذکر نکرده و نگفته است مؤمنات و مؤمنین چشمان خویش را بر چه چیزی فرو بندند، برای این است که خداوند نخواسته است مخاطب خود را به انتخاب یک پوشش در تمام زمان‌ها و مکان‌ها ناگزیر کند؛ چون هر زمان و مکانی اقتضای یک نوع پوششی را دارد؛ در برخی زمان‌ها و مکان‌ها پوشش برخی زینت‌ها لازم و دیدن آن حرام است؛ درحالی‌که در برخی موارد همان پوشش و نگاه ایرادی ندارد؛ پس هدف آیه تنظیم پوشش و نگاه بر اساس عرف جوامع است (شحرور، ۱۹۹۹م، ص ۶۱۱).

در جواب باید گفت: اولاً عدم ذکر متعلق و عمومیت فعل، بر اطلاق دلالت می‌کند: «حذف المتعلق یفید العموم»؛ مثل «اکرم العلماء». اطلاق تکریم علما، دلالت بر عموم آنها دارد و به معنای گرامی داشتن همه علماست. نمی‌توان گفت که چون متعلق ذکر نشده، گوینده می‌خواسته آن را بر عهده مردم بگذارد که هر کدام را خواستند گرامی بدارند و آنها را محدود به انتخاب نکنند. ثانیاً همه اطلاقات قرآنی دلالت بر عموم یا آزاد گذاشتن مخاطب ندارد؛ بلکه قیود و محدوده آن را با روایات یا آیات دیگر مشخص می‌شود. در مورد این آیه نیز با روایات و آیات دیگر می‌توان متعلق فعل را مشخص کرد و نمی‌توان آن را بر عهده مردم گذاشت؛ همان‌گونه که چگونگی و محدوده نماز، حج و روزه کاملاً مشخص نشده است و این برای آزاد گذاشتن مخاطب نبوده، بلکه بیان آن بر عهده روایات گذاشته شده است.

۳-۱-۳. تکلیفی نبودن جمله «وَلَا يُدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

این جمله درصدد بار کردن تکلیف بر دوش زنان نیست؛ بلکه بیانگر حق آنان در اظهار زینت ظاهری است (عشماوی، ۲۰۰۲م، ص ۲۶) و بعضی گفته‌اند که این آیه تکمله‌ای بر آیه ۵۹ سوره احزاب است و خداوند خواسته به زنان بگوید: آنجا که گفتیم خود را بپوشانید، تنها زینت باطنی بوده است و شامل زینت آشکار نمی‌شود (جابری، آیات الحجاب، ص ۵۴).

در پاسخ به اشکال‌های فوق باید گفت: اولاً هرچند عبارت «الا ما ظهر» برای زنان رخصتی قائل شده است، اما این مسئله منافاتی با امری که به صراحت برای زنان بیان کرده، ندارد؛ چراکه عبارت «لا یبدین زینتھن» با صیغه نهی آمده و دلالت بر حرمت دارد و «الا ما ظهر» مواردی را استثنا کرده است که برای پی بردن به آن می‌توان از روایات، قواعد اصولی یا نهایتاً از عرف زمان استفاده کرد، که در اینجا روایات دلالت بر اظهار مواردی خاص مثل وجه و کفین دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۰؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۹۹). از نظر قواعد هم برخی از مفسران به این نکته اشاره کرده‌اند که اطلاق امر و نهی دلالت بر عموم دارد و استثنای آن هم دلالت بر موارد اضطرار دارد (جوادی آملی، تفسیر سوره نور، ذیل آیه ۳۱).

برخی هم معتقدند که مخاطب آیه، زنان عصر نزول‌اند که تحت تعالیم سخت‌گیرانه تورات و انجیل زندگی می‌کرده‌اند (ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۴۶؛ عقله، زی المراه فی الاسلام). این شبهه ناظر به اثرگذاری عرف زمان نزول بر فرهنگ مردم حجاز در نوع پوشش زنان است؛ ولی باید گفت: این موضوع کاملاً برعکس بوده است؛ زیرا زنان حجاز نه تحت تعالیم سخت‌گیرانه تورات و انجیل بودند و نه در نوع پوششان قانون و قاعده خاصی داشتند. آنان در آن زمان در بسیاری از مواقع سرهای خود را با مقنعه (برای محافظت از گرما و سرما یا بنا به دلایل دیگر) می‌پوشاندند؛ منتها آن را بر پشت سر می‌انداختند که سینه و گردن نمایان می‌شد و به همین دلیل در قسمت بعدی آیه بر پوشاندن آن تأکید شده است. اینکه این آیه تکمله‌ای بر آیه ۵۹ سوره احزاب باشد هم اشکالی بر پوشش مورد نظر وارد نمی‌کند. در آنجا امر می‌کند که جلباب‌های خود را بر خویش افکنند و اینجا می‌گوید زینت‌های خود را با جلباب بپوشانند، مگر آنها که ظاهر هستند؛ و تبیین زینت ظاهر را بر عهده روایات گذاشته است.

۴-۳. تمییز میان زنان باایمان و بی‌ایمان

محمد عابد الجابری گوید: علت ایجاد حکم، تمییز میان زنان باایمان و زنان بی‌ایمان است. بنابراین، حکم آیه یک حکم تاریخی است و مربوط به عصر پیامبر ﷺ است؛ چنان‌که این حکم پیامبر ﷺ که فرموده است: «أخفوا الشَّوَابَ وَأَعْفُوا اللَّحَى»، به اجماع فقها یک حکم تاریخی است و علت آن تمییز میان مؤمنان و غیر ایشان است (بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

در جواب باید گفت: بر چه اساس گفته می‌شود که هدف آیه تمییز بین زنان مؤمن و غیر مؤمن است؟ این ادعا، نه از لفظ و سیاق آیه برمی‌آید و نه بیان متقدمان بر آن دلالت دارد؛ علاوه بر اینکه سبب نزول هر دو آیه نیز متفاوت است. بر فرض صحت که علت نزول آیه جداسازی زنان مؤمن از غیر مؤمن باشد، بر کدام اساس گفته می‌شود که این علت امروز و در زمان ما باقی نیست؟ امروزه نیز زنان مؤمن با پوشش مناسب که مورد تأکید و از دستورات قرآن است، از زنان غیر مؤمن تشخیص داده می‌شوند تا بهانه‌ای برای مفسدین جوامع باقی نگذارند. البته این در حالی است که احکام قرآن برای هر زمانی جاودانه و پایدار است؛ مگر آنکه دلیل قطعی بر اختصاص آن به زمان خاصی داشته باشیم که در اینجا چنین دلیلی وجود ندارد.

دکتر محمد شحرور در ضمن بررسی مفهوم واژه‌های حجاب، پس از ریشه‌یابی کلمه «جیوب» - که گفته شد به معنای شکاف است - در فراز «لَيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» می‌گوید: «جیوب در زن عبارت است از دو سینه و زیر دو سینه، زیر بغل، شرمگاه و باسن - چون اطلاق ریشه جیوب بر این اعضا صادق است - بنابراین، زن تنها همین نوع از جیوب را باید بپوشاند (شحرور، ۱۹۹۹م، ص ۶۰۶). او می‌گوید: «حدّ ادنی در حجاب زن، پوشانیدن جیوب پنهان» است. سپس در معنای جیوب می‌گوید: این مقدار از پوشش هم حکم شخصی و درعین حال تربیتی است و این حکم شخصی، در جهت تربیت زن و بازدارندگی است (همان، ص ۵۷۲).

در جواب محمد شحرور باید گفت: واژه «جیب» در مورد انسان به معنای مطلق شکاف به کار نرفته است تا منظور از آیه قسمت‌های باطنی بدن زن باشد؛ و تنها ریشه آن به معنای شکاف اشاره دارد؛ بلکه هرگاه در مورد انسان به کار رفته، به معنای شکاف پیراهن یا زره اوست. تنها یک مورد درباره خود انسان به کار رفته و آن هم به معنای قلب و سینه اوست (این منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۵). در آیه قرآن نیز «جیب» به معنای گریبان و یقه پیراهن به کار رفته است: «وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا» (نمل: ۱۲) همچنین برای ترجمه متن باید معنای کلمات را از عرف و فرهنگ زمان استخراج کرد، نه از ریشه واژگان، چه‌بسا کلماتی هستند که معنای ریشه‌ای آنها با معنای اصطلاحی و مرسوم در جامعه تفاوت چشمگیری دارد.

نصر حامد ابوزید در رد شحرور می‌گوید: او تأویل را در آسمان نص و خارج از سیاق زمان و مکان به پرواز درآورده است. او با لغت چنان تعامل می‌کند که گویی فضایی مستقل از سیاق و عرف و تداول است (بهرامی، ۱۳۸۶، به نقل از: حامد ابوزید).

برخی افراد از فراز پایانی آیه «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» نتیجه گرفته‌اند که منظور از زینت در «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» سر، موی سر و امثال آن نیست و اینها جزء زینت‌های ظاهرند که آشکار کردنشان اشکال ندارد. استدلال آنها چنین است: خداوند در آخر آیه می‌فرماید پاهای خود را به زمین نزنید تا زینت‌هایتان آشکار نشود؛ و از آنجاکه زمین زدن پا سبب آشکار شدن موی سر نیست و با زمین زدن پا فقط زینت‌هایی مثل خلخال و دستبند و امثال آن آشکار یا مورد توجه واقع می‌شود؛ از این رو خداوند قصد داشته است بگوید زنان آن زینت‌هایی را که با زمین زدن پا آشکار یا مورد توجه واقع می‌شوند، بپوشانند و چون مو از این قبیل زینت‌ها نیست، پس آشکار کردن آنها اشکالی ندارد! بنابراین، مراد از زینت چیزی است که با کوبیدن پا به زمین مردان را تحریک می‌کند، نه صورت و مو که با کوبیدن پا به زمین ظاهر نمی‌شوند (ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۶).

در جواب باید گفت که توجه به سبب نزول نشان می‌دهد که این فراز برای تبیین مصداق زینت مخفی نازل نشده؛ زیرا در شأن نزول این فراز از آیه چنین آمده است: زنان در آن زمان در کوچه‌ها می‌رفتند و هرگاه کنار مردی می‌رسیدند، برای اینکه توجه او را جلب کنند، پای خود را یا خلخال‌های خود را به هم می‌زدند تا به این صورت زینت خود را نشان دهند و آن را آشکار کنند و توجه مردان را به خود جلب نمایند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۸). این شأن نزول نمی‌تواند دلالت بر بیان «لا یبدین زینتهن» داشته باشد. همچنین «یعلم» به معنای نشان دادن بصری معنا نشده است و همه مفسران آن را به معنای شناخته شدن و دانستن معنا کرده‌اند و علاوه بر آنکه مخالف روایاتی است که مو را از زینت باطن می‌دانند (حراملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۰۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۲۱)، سیاق آیه هم نشانگر این نیست که جمله «ولا یضربن» درصدد بیان مصداق باشد.

۳-۲. ۳. استفتاء «الا ما ظهر»

در مورد استثنای «الا ما ظهر» اظهار نظرهای متعددی صورت گرفته است. جمال‌البناء می‌گوید: این یک استثنای مفتوح است و می‌تواند شامل سر و مو هم بشود و قرآن حد و مرزی برای زینت ظاهر مشخص نکرده است تا مجال را برای اجتهادات مختلف و متناسب با زمان و مکان باز گذارد (جمال‌البناء، ۱۴۲۳، ق، ص ۹۶). وی همچنین می‌گوید: «الا ما ظهر» را می‌توان به آنچه قرآن به پوشش آن امر ننموده، حمل کرد و امر قرآن هم به حفظ فرج، «دناى ثوب» (لباس بلند) و چاک یقه و جیب تعلق گرفته و شامل سر و مو نشده است؛ از این رو، مو و سر داخل در استثنایند و پوشش آنها لازم نیست (همان، ص ۳۰).

احمد قابل و ترکشوند هم گفته‌اند: «الا ما ظهر» مواردی را که پوشاندن آن معمول نبوده، از شمول پوشش خارج کرده است و این به معنای عدم پوشاندن مواردی است که پوشش آنان در آن زمان رایج نبوده؛ و بررسی‌های تاریخی به ما نشان می‌دهد که پوشش سر و گردن در آن زمان رایج نبوده است؛ پس اینها هم جزو زینت ظاهر حساب می‌آیند (قابل، مقاله حجاب، ص ۲۳؛ ترکشوند، ۱۳۹۰، ص ۵۷۰)؛ و اینکه قرآن محدوده پوشش را مبهم باقی گذاشته، برای این است که تعیین مورد نزد قرآن اصل نیست و صرف کارآمدی منجر به مهار فحشا خواست آیه است و این کارآمدی از طریق توجه به تشخیص عقل و عقلا نیز فراهم است (ترکشوند، ۱۳۹۰، ص ۶۰۶).

در پاسخ به اشکال‌های فوق باید گفت که ادعای عدم تعیین محدوده زینت برای باز گذاشتن باب اجتهاد و تطبیق آن با زمان، ادعایی بی‌مورد و بدون دلیل است. ما آیات فراوانی در زمینه‌های گوناگون داریم که قرآن به صورت مطلق آورده و تعیین مصداق را بر عهده معصوم علیه السلام گذاشته است؛ مثل آیات نماز و حج. تعیین حدود این اطلاق هم بر عهده معصوم علیه السلام گذاشته شده است. در اینجا مناسب است به چند روایت در زمینه محدوده حجاب اشاره شود:

الف) از امام صادق علیه السلام می‌پرسند: آیا ساعد زن از زینت‌هایی است که باید پوشیده شود؟ امام علیه السلام می‌فرمایند: «بله؛ مادون خمار و مادون سوارین (دستبند) باید پوشیده شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۲۰). این روایت امام علیه السلام علاوه

بر پوشش ساعد، به پوشش تحت خمار - که عبارت بود از موها، گوش و گردن و حتی از کتف تا آرنج، که مقنعه‌ها غالباً آنها را هم می‌پوشاندند - اشاره می‌کند.

ب) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره «ولا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها» پرسید. امام علیه السلام فرمودند: منظور از «ما ظهر» انگشتر و دستبند است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۰). امام در این حدیث - که روایان آن همه امامی و موثقند - دو مورد را از زینت ظاهر بیان می‌کند؛ اما آیا استثنای امام تام و کامل است که دلالت آن بر پوشش تمام اعضا، حتی صورت هم باشد یا این استثنا تام نیست و امام بنا به دلایلی که بوده، این دو مورد از استثنا را بیان فرموده‌اند؟ ظاهراً مورد دوم درست باشد؛ چراکه امام در روایت بالا به مادون خمار اشاره کرده است که صورت شامل آن نمی‌شود. همچنین در روایت موثقه دیگری، امام علیه السلام فرمودند: منظور از زینت ظاهر، سرمه و انگشتر است؛ یا آنکه فرمودند: لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست و دستبند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۱؛ نوری، ۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۷۵) زینت ظاهر است. آن گونه که امام علیه السلام فرموده‌اند، اگر سرمه از زینت ظاهر باشد، استثنای دیگری هم به موارد قبل اضافه شده است؛ پس امام علیه السلام در هر موقعیتی برخی موارد استثنا را بیان می‌کرده‌اند.

ادعای دیگر مستشکلین هم که می‌گفتند: بررسی‌های تاریخی نشانگر آشکار بودن موی و گردن زنان آن زمان بوده است و لذا از موارد «ما ظهر» به حساب می‌آید، پذیرفتنی نیست. بررسی‌های دقیق تاریخی بیانگر عدم پوشش مناسب برای تمام زنان آن زمان نیست؛ زیرا اگرچه در برخی گزارش‌های تاریخی ادعای برهنگی مفرط عرب ذکر شده، ولی در برخی موارد هم آمده است که زنان عرب لباس مناسبی داشته‌اند و خود را می‌پوشاندند. جواد علی می‌گوید: «برای زنان آزاد لباس مخصوصی بود و برای کنیزان لباسی دیگر؛ اما در پوشش سر و بدن، همه مساوی بودند» (جواد علی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۴۸) و در برخی موارد صورت خود را هم می‌پوشاندند (محقق داماد، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۰)؛ به‌خصوص که از پوشش خمار به‌عنوان سرپوش زنان عرب سخن به میان آمده است: «زنان نیز از یک پیراهن به نام درع که معمولاً تا زانو می‌آمد، استفاده می‌کردند و گاهی هم از خمار که روی دوش یا سر می‌گذاشتند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷).

اما اینکه هدف قرآن مه‌ار فحشا بوده و تشخیص میزان پوشش را بر عهده عقل و عقلا گذاشته است یا بر عهده روایت، جای بحث دارد. اگر بر عهده عقل و عقلا قرار داده است، عقل کدام گروه و عقلائی کدام قوم باید میزان آن را تشخیص دهند؟ آیا امروزه دانشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی می‌توانند برای جلوگیری فحشا نظری یکسان بر پوشش و برهنگی زنان ارائه دهند؟ و اگر با اختلاف نظری شدید بین دو گروه مخالفان و موافقان حجاب مواجه شدیم، نظر کدام گروه مبنای عقل و عقلاست؟ آیا عرف می‌تواند میزان تأثیرگذاری آشکار بودن و آرایش سر و صورت را بر تهییج یا مه‌ار شهوت تشخیص دهد؟ شاید این از مواردی است که عقل در آن راه به جایی نمی‌برد و می‌توان ادعا کرد که هر کس بر اساس منافع خود سعی در اثبات نظرش دارد. بنابراین، رجوع به شرع می‌تواند گره این مشکل را بگشاید.

اما باز در اینجا یک سؤال می‌ماند که ما را وارد مشکلی جدید می‌کند و آن این است: منظور از «الا ما ظهر منها» چیست؟ آیا مقصود «الا ما ظهر منها ضرورتاً» است یا «الا ما ظهر منها طبیعتاً»؟ یعنی خداوند فرموده است: زینت‌های خود را آشکار نکنید، مگر آنچه که ضرورتاً و از روی اضطرار باید آشکار باشد؛ یا اینکه زینت‌های خود را آشکار نکنید، مگر آنچه که به‌طور طبیعی و عادی و عرفی آشکار است؟

الف) الا ما ظهر منها ضرورتاً: گروهی منظور از «الا ما ظهر منها» را زیبایی‌هایی دانسته‌اند که ضرورتاً ظاهرند و گفته‌اند: «الا ما ظهر منها ضرورتاً» استثنا شده است؛ یعنی اظهار آنچه که انسان برای مواجهه با دیگران نمی‌تواند بپوشاند و پوشیدن آن دارای تکلف بسیار است (مثل دست و صورت) اشکال ندارد. این قول با اطلاق آیه نیز سازگار است؛ زیرا اطلاق «ولا یبدین زینتهن»، عدم اظهار تمام زینت‌ها را دربر می‌گیرد و استثنای بعد از آن، حد ضرورت را که وجه و کفین است، می‌رساند (جوادی آملی، تفسیر سوره نور). این قول را می‌توان از سخن برخی صحابه در بیان مصادیق حجاب هم فهمید؛ زیرا آنان در تفسیر «الا ما ظهر منها» گفته‌اند: زن در مواجهه با نامحرم فقط می‌تواند لباس‌های رویین و یک چشمش آشکار باشد و واجب است که بقیه موارد را بپوشاند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۴).

اما باز هم در صورت پذیرش این قول، با این مشکل مواجه می‌شویم که میزان تشخیص ضرورت چیست؟ چون در برخی جوامع یا بعضی شغل‌ها، ظاهر بودن دست و پا ضرورتی ندارد؛ ولی در بعضی از کارها یا برخی جوامع، پوشیدن سر یا پا تا زانو دارای سختی فراوان است و آیا منظور از ضرورت، همان ضرورت پوشش عرب عصر نزول است که هم در گرمای طاقت‌فرسای جزیره‌العرب زندگی می‌کردند و هم در زمان فقر و تنگدستی، که برخی از داشتن پوشش اولیه هم محروم بودند؛ یا منظور وجود ضرورت در هر زمان و مکان است؟

ب) الا ما ظهر منها طبیعتاً: نظر دیگر درباره این جمله آن است که منظور «الا ما ظهر منها طبیعتاً یا عادتاً» است؛ یعنی زن باید زینت‌های خود را بپوشاند، مگر آن قسمت‌هایی که به‌طور طبیعی و عادی آشکار است؛ در این صورت، قسمت‌هایی از دست، پا، سر، صورت و گردن را که به‌طور عادی نمایان است، شامل می‌شود. زمخشری می‌گوید: اصل بر ظهور آنچه عادتاً و طبیعتاً ظاهر است، می‌باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳۱). دست، پا، صورت و گردن می‌تواند از مواضعی باشد که عادتاً پوشیده نمی‌شود؛ به‌ویژه در زمان صدر اسلام که وضع پوشش زنان بسیار بدتر بود و عادتاً مقداری از بدنشان ظاهر بود.

در این نظریه هم این سؤال مطرح می‌شود که استثنای عادتاً و طبیعتاً در جوامع مختلف متفاوت است. آیا منظور، عادت و طبیعت عرب آن زمان می‌باشد؟ و آیا این عادت اعراب به همه دوره‌ها و همه مکان‌ها سرایت می‌کند؟! یا هر کس باید عادت و عرف زمان و منطقه خود را رعایت کند؟

اقوال صحابه و روایات ائمه که در بیان استثناء، به زیورآلاتی مثل انگشتر، دستبند، صورت، مقداری از دست و پا و مواردی که عادتاً ظاهر است، اشاره کرده‌اند، نشان می‌دهد که می‌تواند منظور، «الا ما ظهر عادتاً یا طبیعتاً» باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۰۱).

همچنین از آن جهت این احتمال قوت می‌گیرد که آیه درصدد است تا زمینه‌های فساد و فحشا و زنا را از بین ببرد. اینکه می‌گوییم آیه درصدد از بین بردن زمینه‌های فساد است، به چند جهت است:

(الف) قبل از این آیه، خداوند از مردان و زنان می‌خواهد تا چشم خود را فرو بندند و نگاه تند و آلوده به همدیگر نداشته باشند تا پاک باشند «ذلک ازکی لهم»؛

(ب) از زنان می‌خواهد زینت‌هایی را که آشکار نیستند و طبیعتاً مخفی‌اند و جنبه تحریک‌کنندگی برای غالب افراد دارند، بیوشانند؛

(ج) در ادامه آیه، گروه‌هایی که دارای شهوت نیستند «غَیْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»، استثنا شده‌اند؛

(د) در آیهٔ قواعد (نور: ۶۰) زنان پیر و مسن از این امر استثنا شده‌اند. از این‌رو، آیه درصدد است، اظهار هر چیزی را که زمینه تحریک‌کنندگی دارد، منع کند؛ حال ممکن است سینه و گردن و بدن باشد یا ممکن است سر و صورت و دستبند و حنا و... باشد.

اما بیان استثنای «الا ما ظهر منها» بعد از امر به پوشش، دو جهت ممکن است داشته باشد:

۱. اینکه زینت‌های معمول، هم جنبه زینتی و تحریک‌کنندگی‌شان کمتر از زینت‌های پنهان است و هم آن‌قدر معمول و رایج‌اند که در جامعه محرک به حساب نمی‌آیند.

۲. ممکن است این زینت‌ها بتوانند محرک و زمینه‌ساز فحشا باشند؛ اما پوشش آنها برای زن دارای عسر و حرج است و از آن جهت که زنان هم باید بتوانند زندگی معمول خود را داشته باشند، آنها را استثنا کرده است؛ ولی از مردها می‌خواهد تا چشمان خود را فرو ببندند.

در نتیجه، مقدار زینت ظاهر از آیه مشخص نمی‌شود، برخی خواسته‌اند بگویند، چون زنان عرب با خمار سر را می‌پوشاندند، پس سر عادتاً خارج از زینت ظاهر است؛ اما بنا بر گزارش‌های تاریخی، به نظر می‌رسد زنان عرب با خمار تمام سر را نمی‌پوشاندند و همچنین همه آنان از خمار و پوشش سر استفاده نمی‌کردند و ممکن بوده است حداقل جلوی سر با موهای جلو آشکار بوده باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷). همچنین اگر گفته شود وجود خمار برای پوشش جیوب موضوعیت ندارد، آن وقت هر چیزی که گردن و سینه را بیوشاند، کفایت می‌کند و دیگر آیه، پوشش مو را دربر نمی‌گیرد. این مشکل در میزان پوشش میج تا آرنج یا کمی بالاتر از ساق پا هم ممکن است به وجود بیاید؛ چراکه در آن زمان، عادت بر پوشش آنها نبوده و افرادی فقیر بودند که لباس نداشتند یا بنا به دلایلی با حالتی نیمه‌برهنه در جامعه رفت و آمد داشتند (مسلم بن الحجاج، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۰۴؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۶) و زنانی نیز بودند که از یک پیراهن به نام درع - که معمولاً تا زانو می‌آمد - استفاده می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷). مگر اینکه بگوییم: اظهار اینها زمینه ایجاد فحشا و فساد در جامعه می‌شود و از این لحاظ پوشش آنها لازم است؛ از این‌رو، حکم میزان پوشش و زینت ظاهر در آیه دارای ابهام است و برای فهم آن باید به روایات رجوع شود.

برخی از مخالفان دلالت آیه بر حجاب گفته‌اند «لَيُضْرَبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» دلالتی بر پوشش سر ندارد؛ بلکه خداوند امر کرده است تا زن آنچه را می‌پوشد، برای پوشاندن گریبانش به کار گیرد؛ و این با معنای لغوی خمار که «پوشش» است، سازگارتر است. اگر پوشش سر مطلوب بود، خداوند به صورت صریح و روشن به آن امر می‌کرد تا مفسران را از اختلاف و کج‌روی در آن بازدارد (بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۴۶؛ عقله، زی المرأة فی الاسلام). این معنا با نوع پوشش آن زمان هم سازگار است؛ چراکه غالب مردان هم دارای موهای بلند بودند و مو به‌عنوان زینت ویژه زن نبوده است؛ بلکه این برجستگی‌های بدن زن بود که زینت به حساب می‌آمد و جلب توجه می‌کرد؛ از این رو آیه قرآن امر به پوشش جیوب کرده است (ر.ک: طهماسبی، ۱۳۸۳).

در جواب باید گفت: گرچه آیه به صراحت بر پوشش سر دلالت ندارد، اما تبیین آیات نمی‌تواند فقط به ظاهر آنها باشد؛ بلکه خداوند مهم‌ترین منبع تبیین آیات را روایات و رجوع به قول معصوم بیان کرده است؛ از این رو، اول باید به روایات رجوع کرد و سراغ شواهد تاریخی و مبانی اصولی و لغوی رفتن جایز نیست؛ چراکه قرآن خود می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ»؛ و روایات سر را جزء زینت باطن شمرده‌اند. از جمله این روایات این بیان امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: «مادون خمار و مادون سوارین (دستبند) باید پوشیده شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۰) که مو هم از جمله آنان است؛ یا اینکه فرمودند: لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست و دستبند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۷۵) زینت ظاهر است؛ یعنی مو از زینت ظاهر نبوده و باید پوشیده شود. همچنین در روایتی صحیح آمده است: وقتی از امام رضا علیه السلام درباره دیدن موی خواهرزن پرسیده می‌شود، ایشان می‌فرمایند: نگاه به موی او جایز نیست... و می‌فرماید: خواهرزن با زن عربیه (غریبه) یکی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۹۹). در ضمن، سیره متداول مسلمین هم می‌تواند مؤید این باشد. همچنین سیره متشرعه نیز به‌عنوان یکی از مباحث فقهی و اصولی، راهگشای این مشکل است؛ زیرا متشرعین صدر اسلام و زمان متصل به عصر معصوم، تا کنون بر این منوال پوشش را رعایت کرده‌اند و نه تنها مورد ردع معصوم قرار نگرفته‌اند، بلکه موارد متعددی مورد امضا هم داشته است.

نتیجه‌گیری

پوشش زنان یکی از مباحث مهم مورد بحث در ادوار مختلف بوده که در دوران معاصر هم به‌دلیل تحول و بیان نظریه‌های جدید و روشنفکرانه درباره جایگاه زنان، مورد توجه غالب علما و دانشمندان قرار گرفته است؛ از این رو، بحث حجاب و آیات مربوط به آن، به‌ویژه آیه ۳۱ سوره نور - که به‌صورت مفصل درباره این موضوع بحث کرده - مورد پژوهش قرار گرفته است. گروهی به‌عنوان مخالف حجاب مشهور، در برداشت‌های متداول فقها و مفسران از این آیه خدشه کرده و شبهات زیادی بر آن وارد نموده‌اند. این شبهات را می‌توان به دو قسمت محتوایی و متنی تقسیم کرد. در جواب شبهات محتوایی می‌توان گفت: برداشت‌های شخصی، عدم توجه به مطالب اصولی، عدم

دقت در چگونگی بیان معانی لغات و عدم توجه به رویه بیان مطالب و دستورات قرآنی، سبب ایجاد این شبهات شده است؛ و شبهات متنی هم غالباً به دلیل عدم توجه به معانی عرفی لغات، بی‌توجهی به شأن نزول عبارات، تحلیل‌های تاریخی ضعیف و برداشت‌های شخصی است و زیر سؤال بردن حجاب متداول، اولاً نتیجه کنار گذاشتن روایات محکم در این باره یا استفاده از روایات ضعیف در بیان مصادیق و برداشت‌های تفسیری بوده است؛ ثانیاً تأثیر فرهنگ غربی و نگاه روشنفکرانه غرب‌گرایان معاصر سبب ایجاد چنین دیدگاه‌هایی برای پوشش زنان شده است. این در حالی است که غالب علما و مفسران بزرگ، در بیان حجاب شرعی موجود اختلافی نداشته و مستندات خود را بر اساس آیه و روایات ذیل آن و بنا بر سیره مستمره متشرعه استوار ساخته‌اند.



منابع

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور محمد بن مکرم، ۱۴۱۰ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- احمد بن فارس بن ذکریا، ابوالحسن، ۱۴۰۴ق، *معجم المقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام هارون، قم، حوزه علمیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، *صحیح بخاری*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی‌جا، دار طوق النجاة.
- پهرامی، محمد، ۱۳۸۶، «قرآنت‌های نو از آیات حجاب»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۵۱ و ۵۲، ص ۳۸-۶۱.
- بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۲۴ق، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ترکاشوند، امیرحسین، ۱۳۹۰، *حجاب شرعی در عصر پیامبر*، تهران.
- جابری، محمد عابد، *آیات الحجاب... اسباب النزول و معطیات عصرنا*، <http://anouar.blogspot.com>
- جمال البناء، ۱۴۲۳ق، *الحجاب*، القاهرة، دار الفکر الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر سوره نور*، www.portal.esra.ir
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
- حسین علی، لوبانی الدامونی، ۲۰۰۷م، *حجاب المرأة المسلمة*، بیروت، مؤسسه الانتشار العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات فی الفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة.
- زیبیدی، مرتضی محمد بن محمد، ۱۳۸۵ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الهدایة.
- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، *الدرالمشور فی تفسیر المائور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- شحرور، محمد، ۱۹۹۹م، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، دمشق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طهماسبی، علی، ۱۳۸۴، «کندو کاوی در مسئله حجاب»، *بازتاب اندیشه*، ش ۵۹ و ۶۰، ص ۶۴-۷۲.
- عراقی عاطف، ۱۹۹۸م، *العقل و التنویر فی الفکر العربی المعاصر*، قاهره، دار القباء للطباعة.
- عشماوی، محمدسعید، ۲۰۰۲م، *حقیقه الحجاب و حجیه الحدیث*، قاهره، کتاب الذهبی.
- عقله، احمد، *زی المرأة فی الاسلام*، <http://knoooz.com>
- علی، جواد، ۱۳۶۷، *تاریخ مفصل غرب قبل از اسلام*، ترجمه محمدحسین روحانی، کتابسرای بابل.
- فراهیدی خلیل بن احمد، ۱۳۸۳، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی، تهران، اسوه.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، قم، دار الهجره.
- قابل، احمد، *مقاله حجاب*، nafi3/issuu.com/
- قریشی بنابی، علی‌اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتب.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سیدمحمد، ۱۴۰۵ق، *کتاب الصلاة*، تقریر بحث محقق الداماد للمومن، قم، جامعه مدرسین.
- محمد ابوالفضل، ابراهیم، بی‌تا، *دیوان امرء القیس*، قاهره.
- مسلم بن الحجاج، ابوالحسن قشیری نیشابوری، بی‌تا، *صحیح مسلم*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹، *مسئله حجاب*، قم، صدرا.
- نصر، حامد ابوزید، ۲۰۰۰م، *دوائر الخوف؛ قرآنته فی خطاب المرأة*، بیروت، مرکز الثقافی العربی.
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتیة.